

تعارف تا کجا؟!

تحلیل مفهومی و کارکردهای اجتماعی-روانی «تعارف»

تعارف، تملق و ادب در فرهنگ ایرانی، علاوه بر نقش اجتماعی و ارتباطی، در بسیاری مواقع ابزاری برای مدیریت تعارض و حتی پرهیز هوشمندانه از ورود به مسائل حساس محسوب می‌شوند. این امر می‌تواند هم دارای ابعاد مثبت (حفظ آرامش در روابط) و منفی (مانع گفت‌وگوی شفاف و نقد اجتماعی) باشد. به راستی ملاحظات اجتماعی و یا به تعبیری دقیق‌تر «تعارف» چگونه تعریف می‌شود؟ چرا این واژه مترادف و هم‌معنا با «ادب و احترام» مورد استفاده قرار می‌گیرد؟ ریشه آن در کجاست؟

برای درک بهتر این مفهوم می‌توان به مثال ساده اشاره کرد: زمانی که شخصی در مقام مهمان به جایی دعوت می‌شود و برای قدرانی از میزبان یک دسته گل هدیه می‌آورد؛ ما این عمل را به عنوان رفتاری اجتماعی مثبت و مودبانه تعبیر می‌کنیم. چنانچه میزبان بگوید: «شما خودتان گل هستید»، این واکنش و رفتار به عنوان تعارف برداشت می‌شود. با در نظر گرفتن این مثال ساده، می‌توان به پیوستگی تنگاتنگ و پیچیدگی در «تمایز میان تعارف و ادب» پی برد. چنانچه ضرب المثل معروف «تعارف شاه عبدالعظیمی» نیز به خوبی به این نکته اشاره دارد که فرد به زبان چیزی را بیان می‌کند، اما در باطن به آن باور ندارد.

تحلیل مفهومی و ریشه‌یابی

واژه تعارف دارای ریشه عربی بوده و با ورود زبان عربی به زبان و فرهنگ ایرانی مفهوم آن وارد زبان فارسی شده و در گذر زمان به حالت امروزی تغییر پیدا کرده است و کلمه معادل تعارف در زبان فارسی «رودربایستی» می‌باشد.

در فرهنگ دهخدا کلمه تعارف در معانی متعددی آمده است: «یکدیگر را شناختن» و «تکلف و اسباب ضیافت فراهم کردن». هرچند در فرهنگ عامیانه ایرانی، تعارف نمودی از احترام «اغراق در ادای احترام و سپاسگزاری» و تأکید بر رتبه اجتماعی شخص مورد نظر است که شامل طیف وسیعی از رفتارهای اجتماعی می‌شود. اصطلاحات مرسوم نظیر: «من کوچک شما هستم»، «قربان شما»، «نمی‌خواستم مزاحم شوم»، «قابل شما را ندارد» «شما سرور ما هستید» و غیره از این دست هستند. در بکارگیری تعارف طیف‌های رفتاری متفاوتی بین تعارف کم و تعارف افراطی وجود دارد که می‌تواند فاصله رابطه را کوتاه‌تر و یا دورتر کند. در هر صورت تعارف بیش از حد می‌تواند انگیزه‌های متفاوتی را داشته باشد، از جمله با تعارف و یک رفتار ظاهراً اجتماعی و مثبت برای خود شرایط مطلوب و امتیازی را به دست آوردن. و یا آنکه از شخص دیگری برای حمایت به حدی افراطی قدردانی کردن تا جایی که طرف مقابل آن را چاپلوسی تلقی کند و باورش نشود. بدین جهت تعارف، الزاماً حرکتی واقعی برای ابراز نیت‌های حقیقی، نگرش‌ها و یا احساسات افراد نیست.

حتی در بعضی از فرهنگ‌ها و کشورهای دیگر، افرادی که همسر ایرانی‌تبار دارند یا از طریق روابط دوستانه با فرهنگ ایرانی آشنا شده‌اند، با واژه و مفهوم «تعارف» آشنایی یافته و ایرانیان را افرادی می‌شناسند که تعارفی هستند – البته گاهی این شناخت بار منفی نیز دارد.

زمینه‌های فرهنگی و تاریخی

زبان و ادبیات فارسی از غنای کلامی و ادبی چشمگیری برخوردار است و با مدیحه‌سرایی و بیان افراطی در مدح و ستایش و استفاده از اشعار، ضرب المثلها و حکایات گوناگون گره خورده است، که این خود محصول عوامل و ارزش‌های اجتماعی است و در سطوح مختلف جامعه در ذهن و زبان مردم نفوذ کرده و به شکل‌های مختلف و با شدت و ضعف متفاوت خود را بروز می‌دهد. تعارف در فرهنگ ایرانی ریشه در ساختارهای اجتماعی سلسله‌مراتبی دارد که در آن حفظ ظاهر و کرامت اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این پدیده در جوامع جمع‌گرا که هماهنگی گروهی بر فردیت ارجحیت دارد، به طور طبیعی این پدیده برای تنظیم رابطه اجتماعی (Collectivistic Societies) شکل گرفته است.

تاریخ طولانی ایران به عنوان کشوری با حکومت‌های مطلقه‌ای مانند سلسله قاجار، ضرورت رعایت آداب دربار و بیان ناصداقانه و ستایش اغراق‌آمیز «قبله عالم» را به همراه داشته است. این الگوها در لایه‌های عمیق فرهنگ عمومی نهادینه شده‌اند و همچنان به‌کار برده می‌شوند. چنانچه در سالهای گذشته بیش از پیش شدت یافت و چاپلوسی و تعارفات افراطی بخش مهمی از زندگی اجتماعی افراد، به‌ویژه در دستگاه حکومتی، تبدیل شده است. در چنین بستری، تعارف و یا تملق نه تنها به‌عنوان نشانه احترام، بلکه به‌مثابه راهبردی برای بقا و حفظ جایگاه و فرصت‌های اجتماعی عمل کرده است. از آنجایی که این رفتار اجتماعی ضد و نقیض یا به اصطلاح «پارادوکس» در رفتار و فرهنگ روزمره ما ریشه دوانده است، بسیار حایز اهمیت است که مکانیزم این رفتار اجتماعی را از زوایای مختلف به چالش بکشیم و به نقد و بررسی آن بپردازیم.

همانطور که در سطرهای بالا کوتاه به آن اشاره شد، تعارف و یا تملق به عنوان نوعی از بیان احترام، صمیمیت، نرمش و ایجاد فضای مطبوع اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، این احترام و ادب ظاهری می‌تواند به صورت افراطی و مبالغه‌آمیز موجب افزایش سوءتفاهم، افزایش ابهام در روابط و حتی کاهش اعتماد و صمیمیت گردد.

رویکرد روانکاوانه

از منظر روان‌پویشی می‌توان تعارف را به عنوان یک شکل از شخصیت اجتماعی در نظر گرفت که در آن فرد انگیزه و احساسات واقعی از جمله خشونت خود را پنهان می‌کند. این پدیده می‌تواند به عنوان مکانیزم دفاعی عمل کند که در آن شخص از بیان مستقیم حقیقت اجتناب می‌ورزد و سعی دارد با رفتاری به ظاهر مثبت، پیام واقعی خود را پوشش دهد.

در پی این رفتار، شخص مخاطب انرژی و نیروی ذهنی خود را صرف کشف حقیقت و نیت اصلی طرف مقابل می‌کند که خود در کاهش اعتماد و افزایش فاصله‌گیری نقش بزرگی ایفا می‌کند.

در پس این رفتار اجتماعی که به ظاهر با احترام و ادب همراه است، فرد می‌کوشد تعارضی درونی را میان بیان صادقاانه و فشارهای اجتماعی مدیریت کند و برای مواجهه با این تعارض، از سازوکارهای گوناگونی استفاده می‌کند. یکی از این ابزارها، تشکیل واکنشی است که در آن فرد احساسات واقعی خود را به ضد آن تبدیل می‌کند. رویکردی که در آن، احساس واقعی پنهان می‌شود تا رابطه حفظ گردد یا از خود محافظت شود.

سوالاتی بنیادی که در اینجا مطرح می‌گردد این است: چرا احترام و ادب در تضاد با شفافیت و صراحت بیان قرار می‌گیرد و یا اینطور در نظر گرفته می‌شود؟

شاید بتوان پاسخ را در بُعد فرهنگی ماجرا جستجو کرد که در آن هماهنگی جمعی و انطباق‌پذیری با گروه مهم‌تر از بیان شفاف و مستقیم احساسات در نظر گرفته می‌شود. عدم شفافیت چنین وانمود می‌گردد که از رنجاندن شخص دیگری جلوگیری می‌کند و هماهنگی اجتماعی و حفظ هارمونی گروهی بر صداقت فردی اولویت دارد. هرچند در پی آن نیازهای فردی سرکوب شده و میزان خشم را افزایش می‌دهد و حتی در ناخودآگاه انباشته می‌گردد.

در پی این رفتار اجتماعی که به ظاهر با احترام و ادب همراه است، فرد با تعارضی درونی بین بیان صادقاانه و احساسات و انتظارات اجتماعی مواجه می‌شود. برای مدیریت این تعارض، مکانیزم‌های مختلفی مانند انکار که در آن احساسات واقعی برای حفظ رابطه و یا محافظت فردی به کار برده می‌شود؛ و همچنین با توجیه و عقلانی‌سازی سعی بر آن می‌شود رفتار تعارفی را به عنوان ادب و احترام وانمود سازند.

هرچند که تعارف مزمن و افراطی می‌تواند خستگی عاطفی، از خودبیگانگی و کاهش اعتماد به نفس را با خود به همراه داشته باشد. در چنین شرایطی، فرد به تدریج از احساسات و نیازهای واقعی خود بیگانه می‌شود و در نهایت دچار سردرگمی هویتی می‌گردد؛ تا جاییکه حتی در شرایطی که انتظار می‌رود نسبت به بی‌عدالتی‌ها و کمبودها طغیان کند، رفتاری نامتناسب از خود نشان می‌دهد. او گاه به ظاهر بی‌تفاوت و یا حتی خوش‌باش جلوه می‌کند، چراکه واکنشی که نشان می‌دهد با شرایطی که در آن قرار دارد همخوانی ندارد.

راهکارها به سوی تعادل مطلوب

گرچه «احترام» به معنای «پنهان کردن حقیقت» نیست، چنانچه «ادب» در تضاد با «شفافیت‌سازی مهربانانه» قرار ندارد، اما یافتن تعادل درست و تشخیص مرز بین این ویژگی‌ها و توانایی‌ها نیازمند آموزش مهارت‌های ارتباط اجتماعی می‌باشد.

در پایان می‌توان چنین نتیجه گرفت که تعارف به عنوان پدیده‌ای فرهنگی-اجتماعی نقش مهمی در حفظ نظم و هارمونی اجتماعی دارد، اما زمانی که به شکل افراطی و غیرواقعی بروز کند، می‌تواند مانعی جدی بر سر راه ارتباطات مؤثر و سلامت روانی قرار گیرد. درک عمیق این مکانیزم و یافتن تعادل مناسب بین احترام فرهنگی و صداقت شخصی، کلید دستیابی به روابط سالم و پایدار است.

در نهایت، هدف نه حذف کامل تعارف که این کار نه ممکن و نه مطلوب است، بلکه آگاهسازی و بهینه‌سازی آن است. تعارف آگاهانه و متعادل می‌تواند ابزاری قدرتمند برای تقویت روابط انسانی، حفظ کرامت طرفین و ایجاد پویایی سازنده در جامعه باشد.

در عصر کنونی که جامعه ایرانی با چالش‌های پیچیده سیاسی-اجتماعی روبه‌رو است، نیاز به تعادل میان حفظ هویت فرهنگی و پاسخگویی به نیازهای عصر حداکثر اهمیت را دارد. تعارف هوشمندانه و آگاهانه می‌تواند پلی باشد میان این دو ضرورت و راهی برای حفظ انسجام اجتماعی در عین تسهیل تحول مطلوب.

دکتر محمد طباطبایی، روانشناس، روانکاو، مدرس دانشگاه و پژوهشگر

مرداد ماه ۱۴۰۴ خورشیدی

اوت (آگوست) ۲۰۲۵ میلادی